

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# وضع نامطلوب تولید کتاب در ایران

دکتر نصرالله پورجوادی

یکی از ضعفهای فرهنگی که از رژیم سابق برای ما به جا مانده است بی‌علاقگی اکثر تحصیلکردگان ما به ادامه مطالعه، و کمبود کتاب و نشریات ارزشمند تحقیقی و علمی و پایین بودن میزان تولید آنهاست. اهمیتی که اسلام برای کتاب قایل شده است و سابقه درخشانی که کشور ما در قرنهای گذشته در تولید کتاب داشته است می‌بایست سبب شده باشد که ما امروزه یکی از کشورهای غنی آسیا از لحاظ کتاب باشیم. متأسفانه نگاهی به آمارهای موجود کشور و مقایسه آنها با آمارهای کشورهای دیگر نشان می‌دهد که ما تا چه اندازه از حیث تولید کتاب عقب افتاده‌ایم.

در طول پنجاه و چند سال رژیم پهلوی، مجموع کتابهایی که در مملکت ما به چاپ رسیده است از سی هزار عنوان تجاوز نمی‌کند و حداکثر عناوینی که در سالهای آخر آن رژیم به چاپ رسید بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تخمین زده شده است. برای این که ببینیم این ارقام تا چه اندازه پایین است، کافی است آنها را با آمار کتاب در یکی از کشورهای دیگر آسیا مقایسه کنیم. طبق آمار منتشر شده از طرف ژاپن (رجوع کنید به بخش خبرهای همین شماره نشر دانش)، مجموع کتابهایی که در سال ۱۹۸۱ در این کشور منتشر شده است ۴۰،۴۳۹ عنوان بوده که نزدیک به سه چهارم آنها عنوان جدید بوده است. از مجموع عنوانهایی که در این سال انتشار یافته روی هم رفته ۱،۸۵،۸۵۰،۰۰۰ نسخه چاپ شده که ۴۳۲،۶۶۰،۰۰۰ نسخه آن تا پایان همان سال به فروش رفته است.

جمعیت ژاپن حدود سه برابر جمعیت ایران است، و اگر بخواهیم نسبت به جمعیت خود حساب کنیم، ایران باید در حدود ۱۵،۰۰۰ عنوان کتاب تولید کند تا با ژاپن برابری نماید. ولی متأسفانه ما حتی یک دهم این مقدار هم تولید نمی‌کنیم. برای اثبات این مدعا، کافی است نگاهی به فهرست کتابهای تازه در نشر دانش بیفکنیم. از این فهرست که بازحمت بسیار فراهم شده است چنین برمی‌آید که تعداد عناوینی که در سال گذشته، یعنی از اول آذر ماه ۶۰ تا اول آذر ماه ۶۱، انتشار یافته ۶۵۰ عنوان بوده است. البته تعدادی از کتابها، بخصوص آنهایی که در شهرستانها چاپ و منتشر شده یا کتابهای کودکان، در این فهرستها نیامده است. ولی تعداد این گونه کتابها بسیار زیاد

نیست، و اگر آن را نیز دو برابر همین مقدار تخمین بزنیم به این نتیجه می‌رسیم که مجموع کتابهایی که در سال گذشته در ایران منتشر شده است بیش از ۲۰۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ عنوان نبوده است.

این آمار عناوین بود. آمار تیراژ وضع بهتری داشته، هرچند آن هم در مقایسه با آمار مشابه آن در کشورهای دیگر بسیار پایین بوده است. تا چند سال پیش تیراژ ۲۰۰۰ نسخه برای اکثر قریب به اتفاق کتابها تیراژ بالایی محسوب می‌شد؛ بعد از انقلاب ناگهان جهش قابل ملاحظه‌ای در تیراژ پدید آمد. این جهش در عناوین هم پیش آمد. در سال اول انقلاب رقم عناوینی که به چاپ رسید تا ۷۰۰۰ هم تخمین زده شده است. این جهش در رقم عناوین کاملاً استثنایی بود و جنبه موقت داشت، ولی در تیراژ، لااقل در مورد پاره‌ای از عناوین موقت نبود، چنان که در دوران انقلاب تیراژ کتابهای مرحوم شریعتی و بعضی از کتابهای سیاسی (به قول معروف جلد سفید) و سپس کتابهای مرحوم شهید مطهری، که بعضی از آنها چندین بار تجدید چاپ شد و هنوز هم می‌شود، گاهی از مرز یکصد هزار نسخه فراتر رفت. این رقم استثنایی در مورد این گونه کتابها هنوز هم کم و بیش دیده می‌شود، ولی روی هم رفته تیراژ کتاب در این سالهای پس از انقلاب (بخصوص تیراژ کتابهای مذهبی) حول ۱۰،۰۰۰ نسخه دور می‌زند. با این همه، باید گفت که بیشتر کتابهای تحقیقی ما هنوز هم با تیراژ در حدود ۲۰۰۰ نسخه منتشر می‌شود، و لذا نباید رقمهای تیراژ کتاب را در حد مطلوب دانست.

بدون شك برای بسیاری از ما این سؤال مطرح می‌شود که چرا ایران باید به چنین وضعی مبتلا باشد. کشور ما نه تنها فاقد سابقه فرهنگی نبوده، بلکه در حقیقت از لحاظ فرهنگ و کتاب یکی از غنی‌ترین کشورهای آسیا و بلکه جهان بوده است. تعداد عناوین کتابهایی که نیاکان ما به زبانهای فارسی و عربی برای ما باقی گذاشته‌اند یکی از بزرگترین افتخارات ماست و کمتر کشوری است که بتواند در این زمینه با ما برابری کند. پس چه عامل یا عواملی سبب شده است که در یکی دو قرن اخیر اینچنین از کشورهای دیگر عقب بیفتیم. این مسأله پیچیده‌تر از آن است که ما بتوانیم در اینجا همه جوانب آن را توضیح دهیم.

بدون شك استعمار غرب عامل مهمی بوده است. همان طور که ما از جهات دیگر رشد نکردیم، یا اجازه رشد به ما ندادند، در زمینه‌های فرهنگی و از جمله تولید کتاب هم نتوانستیم آن طور که شاید و باید رشد کنیم. در حقیقت صنعت تولید و چاپ کتاب هم دقیقاً با سایر فعالیت‌های کشور از جمله صنایع مربوط است. وقتی کشوری از لحاظ صنعتی ضعیف باشد، تولید کتاب هم که یکی از صنایع است ضعیف می‌ماند. از طرف دیگر، وقتی کتاب لازم نبود، سطح فرهنگ پایین می‌آید و صنایع و کشاورزی و بهداشت و پزشکی و آموزش و نظام اداری نیز ضعیف می‌ماند. این مطلب را با ملاحظه وضع کشورهای از قبیل ژاپن به خوبی می‌توان دریافت.

ما وقتی درباره پیشرفت ژاپن صحبت می‌کنیم، غالباً گمان می‌کنیم که این پیشرفت منحصر در صنایع آن کشور است. ولی این تصور اشتباه محض است. پشتوانه آن صنعت قوی، فرهنگ غنی است. توسعه و پیشرفت صنعتی ژاپن در قرن اخیر نتیجه تحولات فرهنگی آن کشور بوده است. ژاپن در اواخر قرن نوزدهم با فرستادن دانشجو به کشورهای اروپایی نه تنها علوم جدید و تکنولوژی غرب را فرا گرفت، بلکه کلید همه معارف و فلسفه و ادبیات غرب را به دست آورد و در ظرف ده بیست سال اوایل این قرن تقریباً اکثر قریب به اتفاق کتابهای کلاسیک اروپایی و آسیایی را از زبانهای اصلی آنها (از جمله یونانی و لاتین و انگلیسی و فرانسه و آلمانی و اسپانیایی و سانسکریت و چینی) به ژاپنی ترجمه کرد. کلیه کتابهای اصلی غرب درباره علوم جدید نیز در همان سالها به ژاپنی ترجمه شد. امروزه حتی ترجمه ژاپنی پاره‌ای از متون اسلامی مانند بعضی از کتابهای ملاصدرا و ابن عربی و مولوی و سعدی که از زبانهای اصلی آنها یعنی عربی و فارسی صورت گرفته موجود است. علاوه بر این، ژاپنها درباره علوم جدید و معارف غربی و سایر کشورها تحقیقات دست اول کرده‌اند، به طوری که غریبها خود مجبورند که برای کسب اطلاع از این تحقیقات آنها را به زبانهای اروپایی ترجمه کنند.

باری، باز گردیم به کشور خودمان و به مسأله مورد نظر یعنی وضع اسفبار کتاب. چه چیز باعث شد که ما نتوانیم از حیث تولید کتاب همپای ژاپن و حتی کشورهای دیگر نظیر هند

عملی تر شده است. سبک نگارش و نحوه تدوین و تبویب کتابها نیز متحول گشته و فنون جدیدی چون ویرایش (ادیت)، نمونه خوانی، گرافیک به فنون کتابسازی افزوده شده است. حروفچینی، فرمول چینی، جدول بندی، صفحه آرایی، عکاسی، رسامی، استعمال آخرین و پیشرفته ترین ماشینهای حروفچینی، تهیه فیلم و زینک، و چاپهای افست و مسطح، و استعمال رنگهای مختلف و متعدد (گاهی تا ۱۶ رنگ) و بالأخره صحافی و تجلید همه دست به دست هم داده و صنعت جدیدی را در تولید کتاب به وجود آورده است. ولی متأسفانه ما هنوز نتوانسته ایم ریزه کاریهای این فنون را به خوبی و در سطحی وسیع بیاموزیم. فنون مربوط به تولید کتاب در کشورهای اروپایی و همچنین در ژاپن جزو رشته های دانشگاهی یا در سطح دانشگاه است و برای هر یک از این فنون در آن ممالک دانشجویان خاصی را تعلیم می دهند و تربیت می کنند، ولیکن ما با همه این فنون به طور سطحی برخورد کرده ایم و به استثنای عده ای معدود، مابقی دست اندرکاران به نحوی ناقص و غیر حرفه ای این فنون را به کار می برند.

اینها فی الجمله عواملی است که موجب شده است تولید کتاب در ایران آن طور که باید رشد نکند. امیدواریم که در برنامه ریزیهای جدید بعد از انقلاب به این نقایص توجه شود و در رفع آنها تصمیماتی اتخاذ شود. مرکز نشر دانشگاهی نیز به سهم خود برنامه هایی دارد که ان شاء الله با اجرای آنها در آینده تحولی در فن تولید کتاب و بالا بردن کیفیت کتابها، چه از حیث محتوی و چه از حیث صورت و ظاهر، پدید خواهد آورد.

\*\*\*

نواقص و نقیصه هایی که ذکر شد چیزهایی است که ما از رژیم سابق به ارث برده ایم. در اینجا لازم است مسائلی را نیز که امروز ناشران و چاپخانه داران با آنها مواجه اند ذکر کنیم. چاپخانه ها و مؤسسات انتشاراتی ما همگی از یک چیز رنج می برند و آن کمبود وسایل و تجهیزات است. کمبود وسایلی چون مقوا، گالیکو (به اصطلاح متداول: گالینگور)، مرکب، چسب صحافی، فیلم، زینک و حروف، ناشران و چاپخانه داران ما را سخت در مضیقه گذاشته است. البته نباید فراموش کرد که ما

و پاکستان و بخصوص کره (که در سال ۱۶،۰۰۰ عنوان کتاب تولید می کند) حرکت کنیم؟ بدون شك بزرگترین علت همانا شیوه ناصواب تعلیم و تربیت ما در سالهای گذشته و برنامه ریزیهای غلط دولت بوده است. پشت کردن به سنت دیرینه اسلامی برای تربیت محقق، و اقتباس سطحی از روشهای غربی موجب شد که ما در نیم قرن اخیر با فقر محقق روبرو شویم (و حتی اگر تحقیقاتی هم می شد اکثراً به دست تربیت شدگان حوزه های علمیه سنتی انجام می گرفت). از این گذشته، اصولاً، مدارس و دانشگاههای ما محصلان و دانشجویان خود را کتابخوان تربیت نمی کردند. طبقه به اصطلاح باسواد ما اکثراً از کتاب بیگانه اند. بسیاری از فارغ التحصیلان ما پس از این که مدرک خود را گرفتند، کتابهای خود را می بندند و با آنها وداع می کنند و از آن به بعد به «استفاده از مزایای قانونی» مدرک خود می پردازند.

البته، همه گناهها را نباید به گردن این تحصیلکردگان انداخت. یکی از علل عمده بیگانگی تحصیلکردگان و باسوادها از کتاب فقدان کتابهای مناسب بوده است. ترجمه های بد و تحقیقات سست و سطحی و عرضه ناخوب در بسیاری از کتابهایی که در پنجاه سال اخیر چاپ شده است دیده می شود. ما حتی هنوز نتوانسته ایم متون اصیل فارسی را به نحوی ساده و مطلوب در اختیار خوانندگان قرار دهیم. هر کس که با کتاب سروکار داشته باشد می داند یکی از انگیزه های قوی اشخاص برای مطالعه یک کتاب ظاهر آن کتاب است. کتابی که با حروف متناسب و به صورتی چشم نواز چاپ شده باشد بدون شك رغبت انگیزتر از کتابی است که با بی سلیقه گی به چاپ رسیده باشد. این مطلب را پیشینیان نیز می دانستند. نیاکان ما عموماً در فن تولید کتاب از مهارت و فوق کافی برخوردار بودند. می دانستند چگونه از روی کتابها استنساخ کنند و قطور از نسخه های متعدد برای مقابله و تصحیح و تنقیح استفاده کنند. انواع و اقسام شیوه های نگارش را ابداع کرده بودند. در تذهیب صفحات استاد بودند. صحافی آنها قرنها دوام پیدا می کرد و بعضی از جلدهایی که ساخته اند امروز در شمار زیباترین آثار هنری است. در عصر جدید فن تولید کتاب به کلی تغییر کرده است. روشهای مقابله و تصحیح و تنقیح دقیقتر و فنی تر و

دو سال است که درگیر يك جنگ تحمیلی بزرگ هستیم و حتی این همه فعالیت هم که در این دو سال شده است جای هرگونه شکری را باقی می‌گذارد ولی به هر حال، طالبان کتاب در کشور ما همچنان چشم به دست ناشران دوخته‌اند، و حتی پاسداران و سرپازان ما در جبهه‌ها نیز از جمله متقاضیان کتابهای جدیدند. محدودیت وسایل چاپ ناشران بخش خصوصی را مجبور کرده است که کالاهای مورد نیاز خود را در بازار سیاه و با قیمت‌های گران تهیه کنند و همین خود موجب بالا رفتن قیمت کتاب در دو سال اخیر شده است. دولت در صورتی که تسهیلاتی در تهیه این کالاها فراهم نکند، وضع کتاب در آینده از این نیز بدتر خواهد شد و قیمت کتاب روز به روز بالاتر خواهد رفت.

مشکل دیگری که در اینجا باید ذکر کرد وضع نامطلوب حقوق کارگران چاپخانه‌ها و ناشران دولتی است. متأسفانه کاهش حقوق کارگران و کارمندان چاپخانه‌های دولتی در سالهای اخیر و بالا رفتن هزینه‌های زندگی موجب دل‌سردی، و کم کاری بسیاری از کارگران و کارمندان شده است و علی‌رغم گلایه‌ها و شکایتهایی که کراراً از جانب ایشان ابراز شده است هنوز به مشکل آنان رسیدگی نشده است. يك کارگر فنی در چاپخانه دولتی و یا حتی يك عکاس ماهر چاپخانه، امروزه کمتر از يك کارگر ساده ساختمانی حقوق دریافت می‌کند. اینها مسائل و مشکلات عمده‌ای است که س‌د راه پیشرفت صنعت و فن تولید کتاب در کشور ما شده است، و ما معتقدیم که به دلایلی که ذیلاً شرح داده خواهد شد دولت باید در حل و رفع آنها جداً اقدام کند.

۱. کتاب مهمترین وسیله انتقال افکار و علوم و معارف است. ما هم اکنون برای بالا بردن سطح فرهنگ جامعه خود و اشاعه حاصل تحقیقات جدید و ترویج علوم بشری و تشویق محققان و مترجمان و مؤلفان و شناخت بهتر معارف اسلامی و تبلیغ اسلام و تطبیق معارف جدید با اصول دین خود باید به بهترین وجه از این وسیله استفاده کنیم.

۲. کشور ما به دلیل این که کشوری است فارسی زبان باید در تولید کتاب نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر جهان سوم اهتمام بیشتری به خرج دهد. بعضی از کشورها به دلیل زبان مشترك خود با کشورهای دیگر مجبور نیستند که حتماً خودشان

تولید کننده کتابهای مورد نیاز خود باشند. مثلاً کشور الجزایر با استفاده از زبان فرانسوی در مدارس و دانشگاههای خود برای تأمین نیازهای خود از کتابهای کشور فرانسه استفاده می‌کند. کشورهای عربی نیز از آنجا که زبان مشترکی دارند می‌توانند از آنچه در سایر کشورهای عربی تولید می‌شود استفاده کنند. کویت از کتابهای مصری و لبنانی و سوریه از کتابهای کویتی و مصری استفاده می‌کند. اما ایران از تولید هیچ کشوری نمی‌تواند برای رفع نیاز خود به کتابهای فارسی استفاده کند. (تولید کتاب در افغانستان در وضع بسیار بدی است و حتی قبل از اشغال آن توسط روسیه نیز نمی‌توانست از حیث کتاب کمکی به ما بکند.)

۳. پیشرفت کشور ما و مستغنی شدن آن از کشورهای دیگر بدون داشتن کتاب کافی ممکن نیست. صنعت و کشاورزی يك کشور امروزه در ارتباط مستقیم با آموزش و پرورش و بخصوص آموزش عالی و فرهنگ آن کشور است. هیچ کشوری نمی‌تواند از لحاظ صنعتی و کشاورزی پیشرفت کند، در حالی که سطح آموزش و فرهنگ آن پایین باشد. و یکی از عوامل عمده بالا بردن سطح آموزش و فرهنگ علی‌التحقیق کتاب است. تا زمانی که ما از لحاظ تولید کتاب پیشرفت نکنیم، نمی‌توانیم وضع صنعتی و کشاورزی خود را بهبود بخشیم. دلایل دیگری را هم می‌توان به اینها افزود، لکن ما همین سه دلیل را برای ضرورت حل مسائل و رفع مشکلات موجود در تهیه و تولید کتاب کافی می‌دانیم.

و اما ممکن است بعضیها انجام این امر را ضروری تشخیص دهند ولیکن برای آن فوریتهایی قائل نشوند. این فکر خطای محض است. بهبود وضع کتاب چیزی نیست که یکشنبه حاصل شود مسئولان دولتی در صورتی که هم اکنون در رفع مشکلات بکوشند و با فکر و برنامه‌های حساب شده گام بردارند و از همه امکانات خود استفاده کنند و کمال اهتمام را در راه بهبود وضع کتاب از خود نشان دهند، شاید تا چهار پنج سال دیگر ما بتوانیم رقم تیراژ کتابها، و بخصوص رقم عناوین آنها را دو سه برابر بالا ببریم و از این وضع اسفناکی که از رژیم سابق به ارث برده‌ایم تا حدی خلاص شویم.